

## آموزش حسابداری به‌عنوان یک زبان در دانشگاه

ترجمه و تلخیص

دکتر مهدی بهارمقدم، دانشیار بخش حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

فاطمه زین‌الدینی میمند، مربی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

مجتبی ابراهیمی رومنجان، دانشجوی دکتری حسابداری و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان

دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند - Ebrahimi362@yahoo.com

**چکیده-** مقاله حاضر با نگرشی متفاوت به تبیین این موضوع می‌پردازد که آموزش حسابداری چگونه می‌تواند برای دانشجویان ابزاری فراهم کند که آن‌ها صورت‌های مالی را بهتر درک کنند. این مقاله نشان می‌دهد که باید در کلاس‌های آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها، ایده آموزش حسابداری در قالب یک زبان جدی گرفته شود. چیزی که حسابداری را از سایر زبان‌ها متفاوت می‌کند، تنها گرامر و ساختار آن نیست، بلکه نگرش ادبی به حسابداری است که می‌تواند باعث تقویت دیدگاه بنیادی دانشجویان نسبت به حسابداری شود تا آن‌ها صرفاً در حسابداری مصرف‌کننده تولیدات قدیمیان و غرب در این رشته نباشند و اصطلاحاً از روی یافته‌های دیگران رونویسی نکرده و مطالب را طوطی‌وار فرانسگیرند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش حسابداری، زبان، ساختار حسابداری، نگرش ادبی، شعر، داستان.

### مقدمه

موضوعاتی که مدرسان حسابداری با آن مواجه بوده‌اند، در عرض شانزده سال گذشته تغییری نکرده است (کارمونا، ۲۰۱۳) و از دیدگاه نیمارک (۱۹۹۶)، موضوع آموزش حسابداری فراتر از این نیز نخواهد رفت. پراکندگی مقاله‌ها در حوزه آموزش در حسابداری مؤید نظر نیمارک است. دلیل تداوم این آشفتگی در مورد آموزش حسابداری را می‌توان دلیل ساختاری دانست. جامعه حسابداران رسمی آمریکا در سال ۲۰۰۴ موضوع آموزش حسابداری را رأساً بررسی کرد و بر نظرات نیمارک صحنه گذاشت. مدرسان حسابداری بر روی شمشیری چندوجهی حرکت کرده و به‌نوعی در محل

تلاقی نیروهای اجتماعی قرار دارند. آموزش سنتی دانشگاهی، دفاع از حرفه حسابداری، تمایلات بازارهای سرمایه، تقاضای کارفرمایان، انگیزه‌های قانونی دولت و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها خواه‌ناخواه شیوه تدریس آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و در مرحله بعد خود دانشجویان نیز به لحاظ خودیابی و کسب موقعیت شغلی از انتخاب این رشته دانشگاهی به طریق دیگری بر تدریس حسابداری در دانشگاه‌ها اثر می‌گذارند به نحوی که تأمین تمامی این نیازها و برطرف نمودن اثر این مسائل بر آموزش حسابداری تقریباً غیرممکن است؛ اما باید به ماتریس تعامل بین آن‌ها توجه کرد. این مقاله درصدد آن است که رویکردی جدید در آموزش حسابداری معرفی نماید به نحوی که دانشجویان را درگیر ذات روان و جاری حسابداری نماید یعنی آموزش حسابداری به‌عنوان یک زبان در دانشگاه.

### تعلیم در حسابداری و زمینه‌های ساختاری آموزش

یکی از مقاله‌هایی که توسط چابارک و کریج (۲۰۱۳) نوشته شده است، انگیزه تفکر در مورد این محرک‌های ساختاری در آموزش حسابداری است. در این مقاله، نویسندگان یکی از فرایندهای یادگیری ایجادشده برای دانشجویان مؤسسه تلکوم در پاریس را توضیح داده‌اند. این تجربه یادگیری به دانشجویان این امکان را می‌دهد تا پاسخی غیرفنی و غیرعلمی به فساد انرون بدهند. با تعریف انواع واحدهایی که منظور شده بودند، تکلیف دانشجویان این بود که با مسائل حسابداری از دیدگاه شخصی مواجه شوند. بعد از مقاله فریر (۱۹۷۰) مشخص شد که از لحاظ آموزشی، هدف از این تکلیف آن بود که دانشجویان برای تجربه خود اهمیت بیشتری قائل شوند. در تحلیل کاربردهای این تکلیف، چابارک و کریج، نقش دانشگاه‌ها در قابلیت تکثیر مناسبات اجتماعی را متذکر شده بودند و این‌طور بیان می‌نمایند که: «مثل سایر ابزارهای دانش در جهان اجتماعی، مدارس و دانشگاه‌ها، ابزارهای سیاسی قدرتمندی در مباحث اجتماعی هستند. آن‌ها به توسعه یک سیستم برجسته کمک می‌کنند همچنان‌که عکس این قضیه نیز صادق است. اهمیت آن‌ها ناشی از تقاضا برای نقشی است که در ایجاد نهادهای اجتماعی برنامه‌ریزی شده ایفا می‌کنند و بنابراین دارای زمینه‌های فکری، ادراکی و عملی می‌باشند». چابارک و کریج معتقدند که در دانشگاه‌ها، مخصوصاً به خاطر مدرک‌گرایی که امروزه در تحصیلات تکمیلی جاافتاده است، ناهنجاری‌های شناختی در دانشجویان به وجود آمده است. این

نویسندگان همچنین معتقدند که تکلیف‌های آزادانه مثل تکلیفی که این نویسندگان توضیح داده‌اند، به دانشجویان توان می‌دهد که ناهنجاری‌های شناختی در حرفه را شناسایی کنند و به شیوه خودشان با آن مواجه شوند. آن چیزی که در مقاله چابارک و کریج چندان مطرح نشده است، شیوه‌ای است که در آن دانشجویان آماده انجام وظایفی بودند که به آن‌ها محول شده بود. این احتمال وجود دارد که برای تکلیفی که ارزش ۲۵ درصدی نمره ترم را داشت، به دانشجویان حجم مشخصی از آموزش حسابداری مقدماتی داده شده بود که به آن‌ها کمک می‌کرد تا اطلاعات مالی در مورد انرون را درک کنند. لذا می‌توان این‌طور استنباط نمود که شناخت حسابداری به‌عنوان یک زبان و آموزش آن به دانشجویان نه تنها گرامر منحصر به فردی دارد بلکه شرایط ساختاری خاص نیز دارد که متون حسابداری بر اساس آن نوشته شده‌اند. از طرف دیگر به اعتقاد این محققین نابرابری آموزشی در دانشگاه‌ها باعث تفاوت احساس، رفتار و گفتار در آموزش حسابداری می‌شود در صورتی که تحلیل از یک موقعیت اجتماعی در آموزش حسابداری باید به نحوی باشد که بتوان اصل موضوع را درک کرد. لذا نمی‌توان ادعا کرد که موقعیت آموزش فعلی حسابداری به اندازه‌ای که لازم است مطلوب است چون پیوند بین نیروهای اجتماعی و ساختاری که آموزش داده می‌شود، فضای زیادی برای این موضوع فراهم نمی‌کند (هوپر، ۲۰۱۳). دانشجویان بسیار متنوع‌تر از آن چیزی هستند که نشان می‌دهند. در بسیاری از مکان‌های آموزشی حسابداری، دانشجویان، آماده کار در زمینه‌ها، صنایع و رشته‌های مختلف هستند. باید همچنین یادآور شد که برخی از دانشجویان شاهد هیچ ناهنجاری شناختی در مورد آموزش نیستند؛ این‌ها نویسندگان تکالیفی هستند که توسط چابارک و کریج تجزیه و تحلیل نشده‌اند.

ویلیامز (۲۰۰۴) زمینه‌هایی را مطرح کرده است که این زمینه‌ها در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان موضوع خاصی در آموزش حسابداری توسط CPA در نظر گرفته شده است و وضعیت دانشگاهی حسابداری را با مشکل مواجه کرده است. زمینه اصلی این ادعا که توسط ویلیامز مطرح شده است، این است که منافع اقتصادی حرفه حسابداری بیشتر از آکادمی حسابداری بوده است و تحقیق در مورد هر چیزی به‌غیر از اقتصاد را کمتر ارزشیابی کرده است. ویلیامز خواهان بهبود حسابداری و حسابرسی است و تلاش‌هایی در راستای تحقق آن نیز ایفا کرده است. مک اینتاش (۲۰۰۴) به این درخواست پاسخ داد و از دیدگاه‌های نیچه، فوکو و لویناز استفاده کرد تا توضیح دهد که چشم‌انداز اقتصادی چگونه در

تحقیقات حسابداری ورود کرده و اهمیت یافته است. مک اینتاش برخی دعاوی در مورد ویژگی تحقیقات حسابداری اقتصادمحور را مطرح کرده است و نشان داد که این ویژگی‌ها چگونه در مفاهیم حسابداری به وجود آمده است و ادعا می‌کند که علم باعث «واقعیت، استدلال، پیشرفت و آزادی» می‌شود. مک اینتاش درصدد دستیابی به توازی بین حذف مغایرت‌ها در سیاست‌های اصلاحی ژورنال‌های حسابداری اقتصادمحور است و به دنبال از بین بردن تعهدات به سمت سایر موارد در مفروضات اقتصاد نئوکلاسیک است. وی به‌عنوان راه‌حلی برای این موضوع، حداقل برای دانشگاه‌های حسابداری، نشان می‌دهد که با پذیرش قضیه‌های معرفت‌شناختی فراساختارگرایانه و روش‌های زمانی، رشته حسابداری قابلیت حذف ناکارآمدی‌های حسابداری را دارد.

### تغییرات ادبی در آموزش حسابداری

در این قسمت دیدگاه مک اینتاش در مورد تحقیقات حسابداری را در زمینه معینی از آموزش حسابداری ارائه می‌شود. او این مسئله را مطرح می‌کند که در کلاس‌های حسابداری چه اتفاقی باید بیفتد؟ اگر مدرسان حسابداری، صورت‌های مالی را به‌عنوان متن ادبی در نظر بگیرند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اول‌ازهمه، باید آموزش حسابداری به‌عنوان یک زبان را جدی بگیریم. اگر حسابداری را به‌عنوان یک زبان در نظر بگیریم، می‌توانیم هر آنچه در مورد زبان می‌دانم را هنگام مطالعه حسابداری به کار بگیریم. لذا در تقابل با دیگر زبان‌ها، حالا می‌توان پرسید که چه چیزی حسابداری را از سایر زبان‌ها متفاوت می‌کند و این تفاوت‌ها دارای چه کاربردهایی هستند؟

پس باید بدانیم چه تصویری در مورد «زبان» وجود دارد؟ از دیدگاه ذاتی، زبان را با استفاده از یک سری ویژگی‌های غیرمتمرکز تعریف می‌کنند که همه آن‌ها مهم هستند. ما به‌طور ذاتی، همان‌طور که در مورد زبان فکر می‌کنیم، به سخن هم می‌آوریم اما می‌توانیم آن را بدون این ویژگی نیز انجام دهیم. زبان می‌تواند نوشته هم بشود. چه شفاهی و چه مکتوب، زبان‌ها وسیله ارتباطات هستند و مفهوم را منتقل می‌کنند. زبان دارای دایره کلماتی برای علامت‌ها است: کلمات، واژه‌ها، سمبل‌ها، آواها یا حرکات که اغلب به طبقات مختلف اسم، فعل و صفت تقسیم می‌شوند. این علامت‌ها در قالب بعضی

الگوها نمایش داده می‌شود اما همه الگوهای ممکن معنادار نیستند: یعنی، زبان دارای گرامر و ترکیب است. سمبل‌های زبان دارای فرم‌هایی هستند که به استفاده‌کننده کمک می‌کند تا معنا را انتقال دهد.

زبان‌ها اغلب توسط یک جامعه استفاده می‌شوند و اغلب دارای قوانین رسمی و برگ خریدهای خاصی در درون جامعه هستند که نقش آن‌ها را در توضیح این قوانین مشخص می‌کند. غالباً میزان انحراف قابل‌ملاحظه‌ای بین قوانین رسمی زبان و شیوه استفاده از آن در جامعه وجود دارد. میزان وابستگی فرد به قوانین رسمی زبان به توضیح شرایط فرد در درون جامعه‌ای که زندگی می‌کند، بستگی دارد. همه این ابعاد دربرگیرنده زبان هستند. می‌توان یک همچون وضعیت مشابهی را در کلاس‌های حسابداری هم تصور نمود که کمتر بحث‌برانگیز باشد. زمانی که دانشجویان نسبت به یک لیست کافی از ویژگی‌های زبان به توافق رسیدند، می‌توان از لیست آن‌ها برای آزمون حسابداری استفاده کرد. مثلاً یک نفر ممکن است در مورد چیزهایی که در یک صورتحساب مالی پیدا می‌شود، انتظاراتی داشته باشد؟ چیزهای ثابتی مثل موجودی و ساختمان و چیزهای غیرثابت مثل تعهدات سازمان که هر دو وجود دارند. آیا مبالغ پولی در صورتهای مالی، اسم هستند یا صفت؟ پس فعل‌ها چه هستند؟ آیا اصلاً هیچ فعلی وجود دارد و آیا این‌ها باهم جمع می‌شوند یا از هم کم می‌شوند؟ چه کسی قواعد گرامری را برای حسابداری تدوین می‌کند و اگر به‌طور دقیق از آن‌ها پیروی کنیم، چه می‌شود؟ یک صورتحساب مالی به چه کسی ارائه می‌شود؟ چه کسی و به چه خاطری این صورتحساب را تهیه کرده است؟ آیا این توصیفی است یا متقاعدکننده است؟ کسانی که از زبان حسابداری استفاده می‌کنند را چگونه توصیف می‌کنید؟ جامعه این افراد چگونه سازمان‌دهی شده است؟ ملاحظه می‌کنید که لیست سؤالات بالقوه‌ای که می‌توان پرسید، بی‌نهایت است.

در بررسی این سؤالات، ممکن است جالب باشد که بدانیم حسابداری، ایده اولیه زبان خود را از کجا گرفته است و نیز موارد یادشده در بالا چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟ مثلاً ممکن است دانشجویان در مورد راه‌های خاصی که بر اساس آن قوانین حسابداری تنظیم شده‌اند، مطالبی را یاد بگیرند و بخواهند بدانند که چرا این فرایند متفاوت از قوانین گرامر حسابداری است. دانشجویان می‌توانند در این مورد سؤال کنند که آیا کسی از قوانین زبان حسابداری پیروی می‌کند یا نه؟ با توجه به این که اکثر افراد از قوانین سایر زبان‌ها پیروی نمی‌کنند و هنوز هم به نظر می‌رسد که به‌خوبی با آن کنار می‌آیند.

درواقع، زمینه‌های غیررسمی نیازمند گرامر غیررسمی هم هستند. آیا استفاده‌های غیررسمی از حسابداری، به‌عنوان زبان هم وجود دارد یا نه؛ و این‌ها در چه زمینه‌هایی مناسب هستند؟ با این رویکرد زبان، می‌توان به دانشجویان کمک کرد تا در مورد تهیه صورت‌های مالی حسابداری به‌طور جدی فکر کنند. اگر حسابداری را یک زبان در نظر بگیریم، آنگاه به این نتیجه می‌رسیم که صورت‌های مالی از یک چشم‌انداز خاص برای یک مخاطب خاص نوشته می‌شوند. بیشتر از آن‌که معیارهای بی‌طرفانه واقعیات خارجی، به‌عنوان هدف در نظر گرفته شوند، صورت‌های مالی را می‌توان حاوی پیام خاص در نظر گرفت. این بدان معنا نیست که این گزارش‌های حسابداری نباید به لحاظ تطابق با واقعیت تأیید شوند بلکه باید این گزارش‌های را به‌طور اساسی درک کرد، مشابه با این موضوع که دانشجویان بازاریابی باید مفاهیم تبلیغات را به‌طور اساسی درک کنند یا دانشجوی ادبیات باید در مورد زندگی‌نامه‌ها اطلاعات داشته باشد. ایده حسابداری به‌عنوان زبان، استعاره‌ای نیست بلکه دانشجویان را وادار می‌کند تا بعد از فراگیری اصول پایه‌ای، به‌طور انتقادی فکر کنند. این انگیزه‌ای نیست که در کلاس اول برای جلب‌توجه دانشجویان وجود داشته باشد، یعنی مقطعی که بعد از آن می‌توان در دفترداری یا تحلیل‌های مالی تمرین کرد. این دیدگاهی است که باید در هر مرحله بررسی شود و می‌توان آن را در گفتگو با دانشجویان انجام داد که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا به سؤالات اساسی در مورد خود آن‌ها پاسخ دهد: تفاوت حسابداری به‌عنوان زبان چیست؟

سازمان‌ها علاوه بر این برای همه قضایای دیگری که می‌نویسند، چه تصمیمی در مورد نوشتن درباره خودشان در این زبان دارند؟ شما در حسابداری چه چیزی می‌گویید که نمی‌توانید در زبان مادری خود بگویید؟ چه کسی اختیار نوشتن یک داستان به زبان حسابداری را دارد؟ ممکن است سؤالاتی سریعاً در مورد ساختار و ارتباط زمینه حسابداری مطرح شوند. حرفه‌ای سازی حسابداری، یعنی واقعیاتی که باید در حسابداری در نظر داشته باشید؛ یعنی، شما می‌توانید هر صورت حسابداری که بخواهید را تهیه کنید اما اگر بخواهید آن را جلدی بگیرید، باید شخص دیگری، آن را تصویب کند.

کاربردهای این مکانیسم، چه خوب و چه بد، برای کنترل نیروی حسابداری می‌تواند موردبررسی قرار بگیرد. می‌توان اولویت یک مخاطب خاص را یادآور شد، چه از نظر ساختار ادبی و چه از نظر ساختار ترانزنامه. وقت زیادی نمی‌برد که صورت سود و زیان را تهیه کرد اما این نوع ارائه چه کمکی

به کارکنان سازمان می‌کند؟ البته این ارائه به دانشجویان کمک می‌کند تا بفهمند که حسابداری به‌عنوان یک زبان، چگونه نشان داده می‌شود و به دانشجویان کمک می‌کند تا درگیر مفروضات این سیستم شوند و همه این‌ها نیازمند یک آموزش حسابداری است.

### ویژگی‌های مشخص زبان حسابداری

اگر از حسابداری به‌عنوان یک زبان یاد کنیم، ویژگی‌های زیر در مورد این زبان مطرح خواهد شد:

- اندازه‌گیری: برخلاف سایر زبان‌ها، حسابداری دارای یک واحد اندازه‌گیری ثابت برای هر چیزی است و این واحد، واحد پولی رایج آن کشور است.
- گرامر خاص: گرامر حسابداری، محاسبه‌ای است. دارایی‌ها مساوی بدهی‌ها به‌اضافه حقوق مالک است. درآمد منهای هزینه هم همان سود خالص است.
- طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی: حسابداری بر جمع‌آوری چیزها در طبقه‌ها متمرکز است. موجودی‌ها، پیش‌پرداخت هزینه‌ها، دارایی‌های نامشهود و درآمدهای کسب نشده: این‌ها همه مخازنی هستند که رویدادهای منحصر به فرد در آن جمع می‌شوند و به نظر می‌رسد که یکسان باشند. این‌ها به‌صورت سلسله‌مراتبی تنظیم می‌شوند و طبقات خاص به دارایی‌های جاری و بقیه به دارایی‌های ثابت تقسیم می‌شوند و باهم طبقات بالاتر دارایی‌ها را تشکیل می‌دهند.
- استعاره: بعد از طبقه‌بندی همه‌چیز و اندازه‌گیری آن برحسب واحد پولی، یک استعاره ساده ایجاد می‌شود، به این وسیله که هر طبقه را مساوی ارزیابی آن قرار می‌دهیم: مثلاً رابطه سازمان با مشتریان مساوی یک مقدار خاصی پول است که به فروش، حساب‌های دریافتی و مطالبات مشکوک‌الوصول تسهیم می‌شود. می‌توان این ابزارها را به‌صورت ویژگی‌های زبان حسابداری تلقی کرد که ذاتاً تقلیل‌یابنده هستند و واقعاً هم هستند. باین‌وجود، یک دیدگاه جالب‌تر، در راستای بحث کلاسی، استفاده از آن‌ها برای برقراری ارتباط بین حسابداری و شعر است. دارایی‌ها مساوی بدهی‌ها به‌اضافه حقوق مالک است. می‌توان حسابداری را بیشتر مثل یک غزل دانست تا شبیه یک معادله ریاضی. جمله «عشق من مثل رز قرمز است»، یک جمله ادبی است. جمله «موجودی کالای من مثل

یک میلیون دلار است» هم همین طور است و ترازنامه کاری بیشتر از تساوی دو طرف را انجام می‌دهد. ترازنامه ساختاری را القاء می‌کند که شبیه الزامی برای چهارده خط با یک الگوی ریتمیک ABAB\_CD CD\_EFEF\_GH است که ساختاری غزل مانند دارد (اگر هدف از یک غزل این باشد که از یک معشوقه خواستگاری کند، آنگاه صورت‌های مالی می‌توانند به‌عنوان تلاش شرکت برای از راه بدر کردن استفاده‌کنندگان یا سرمایه‌گذاران تلقی شود که برای جلب نظر آن‌ها برای سرمایه‌گذاری انجام می‌شود) البته اگر جنبه مالی آن را در نظر بگیریم). در این ساختار، پیام غزل توسعه یافته است و ساختار ترازنامه و صورت جریان‌های نقدی هم به‌سازمان کمک می‌کنند تا پیام خود را برسانند. دانشجویان این مفهوم را درک می‌کنند. آن‌ها می‌دانند که شعر دارای لایه‌های مفهومی است که می‌تواند بر اساس یک مطالعه دقیق کشف شوند و همین درباره حسابداری هم صدق می‌کند. دانشجویان سایر ابعاد زبان را هم درک می‌کنند، درست مثل داستان‌سرایی و روایت. چه از خواندن تولستوی یا تماشای بت من آموخته باشند، می‌دانند که در هر داستان خوب، نویسنده سعی می‌کند تا جزئیات بیشتری را بیاورد و بقیه چیزها را کنار بگذارد؛ بنابراین در داستان حسابداری باید چه چیزهایی را آورد؟ چه چیزی را نباید آورد؟ داستان حسابداری شامل خرید و فروش‌ها و اقدامات مالی روزمره و هر چیزی که دارای ویژگی مالی باشد خواهد بود و مسائل جانبی و غیرمالی را در بر نمی‌گیرد. همان‌طور که نویسنده یک داستان به ذکر تمامی جزئیات داستان نمی‌پردازد، مشخصاً در حسابداری نیز نمی‌خواهیم هیچ چیزی در مورد هر دقیقه از جزئیات بگوییم و خلاصه‌اش می‌کنیم. می‌خواهیم بدانیم که چه چیزهایی در داستان حسابداری آورده شود و جزئیات تا چه حد در مورد آن مفید خواهد بود؟ بنابراین، در حسابداری ابعاد محاسباتی وجود دارد. این ابعاد امکان انجام بررسی‌های جالب در مورد معنای داستان را فراهم می‌کنند. آیا زمانی که کسی داستان را می‌نویسد یا کسی آن را می‌خواند، معنا رسانده می‌شود؟ اگر معنا امتیاز نویسنده باشد، آنگاه هیچ نکته‌ای در بحث در مورد حساب‌های یک سازمان وجود نخواهد داشت؛ اما اگر معنا در زمان خواندن رسانده شود، آنگاه خواننده دارای تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر ساختار این معنا خواهد بود. این شیوه نگرستن به حسابداری، همزمان منطبق با تحلیل صورت‌های مالی و نمادهای پست‌مدرن خواهد بود. بادریلارد (۱۹۸۱) می‌نویسد که معنا در زمانی ایجاد نمی‌شود که علامتی ایجاد شود. در تحلیل صورت‌های مالی، تحلیل‌گران در مقابل



معنایی که نویسنده صورت‌های مالی فراهم کرده است، مقاومت می‌کنند و به دنبال یک مفهوم جدید می‌گردند. این حاکی از ایجاد استعاره‌های جدید با انجام محاسبات است. ظرفیت محاسباتی حسابداری برای ترکیب مجدد، جدا از سایر زبان‌ها است.

### تقویت گفتمان در کلاس‌ها

چابارک و کریج (۲۰۱۳) به تفکیک رشته‌ها و تقویت گفتمان در آموزش حسابداری تأکید می‌کنند. آموزش حسابداری به‌عنوان یک زبان و بررسی تئوری ادبی جهت آزمون مستقیم صورت‌های مالی در نظر گرفته می‌شود. پذیرش غیرمنتظره «زبان» به‌عنوان زمینه‌ای که دانشجویان انتظار ایجاد یک بحث فنی آزاد را داشتند، این احتمال را به وجود می‌آورد که با سایر رشته‌ها مثل تاریخ، قوم‌نگاری، هنر، حقوق، روان‌شناسی یا سایر درس‌های دیگر در مقطع آموزشی التقاط یابند به‌نحوی که سیستم‌های اطلاعاتی، بازاریابی و رفتار سازمانی را در بر بگیرد. باز کردن زمینه‌ای در کلاس‌ها برای برقراری ارتباط، برای ارتباط سازی بین واحدهای حسابداری و تجربه فعلی دانشجویان، به آن‌ها کمک می‌کند تا ابعاد اقتصادی بسیاری از کتاب‌های حسابداری را مختلط سازند. چابارک و کریج (۲۰۱۳) نیز بر اهمیت اولویت دادن به تجربه دانشجویان تأکید دارند. با قرار دادن ایده زبان حسابداری، در رأس مطالعات حسابداری، به دانشجویان این امکان داده می‌شود که تجارب خود را در قالب زبان دریاورند. چه یادگیری زبان دیگری بعد از انتقال به یک کشور دیگر باشد و چه گفتمان آزادانه به شیوه‌ای متفاوت با والدین باشند، دانشجویان دارای تجارب گسترده‌ای در مورد زبان حسابداری خواهند بود. با کمک به آن‌ها برای انطباق با شرایط ایجاد صورت‌های مالی حسابداری، می‌توان به آن‌ها در اتصال تجربه شخصی خود با شرایط ایجاد گزارش‌های مالی کمک کرد. هر کدام از آن‌ها دارای دشواری‌هایی در تلاش برای توجیه فردی به‌صورت دانشگاهی داشته‌اند.

با توجه به تجربه و سهولت زبان حسابداری، دانشجویان در سطحی از حسابداری قرار می‌گیرند که به‌جای این که مصرف‌کنندگان منفعل صورت‌های مالی باشند با صحبت در مورد این که چه چیزی را قبول کنند می‌توان به آن‌ها کمک کرد تا کاربردهای مرکزیت‌گرایی حرفه‌ای را بررسی کرده و منافع سازمانی حسابداری را برتری بخشند. زمانی که با حسابداری به‌عنوان یک زبان رفتار شود و

صورت‌های مالی به‌عنوان ادبیات آن استفاده شود، فضایی برای مفاهیم تاریخی در مباحث مربوطه ایجاد می‌شود. با مطالعه شعرهای کلاسیک، می‌توانیم در مورد حسابداری مالی در مقاطع تاریخی مختلف بحث کرد و نقش متغیر حسابداری را درک کرد. با بررسی ادبیات تحقیق در مورد شکل تغییرپذیر شعر از رئالیسم به فراساختار گرایانه، می‌توان به واژگان جدیدی برای بررسی تغییرات حسابداری دست یافت.

توانایی ما برای شکل‌دهی مجدد به صورت‌حساب‌های حسابداری، مجدداً داستان سازمان را از دیدگاه قرض‌گیرنده یا اتحادیه کارگری عنوان می‌کند یعنی در عرض ۱۵۰ سال چه اتفاقی برای شعر افتاده است. ما می‌توانیم یک صورتحساب مالی را به نحوی تهیه کنیم که نویسنده داستان عنوان کرده است. بدین معنا که تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی، داستان یک واحد اقتصادی را می‌نویسند. در واقع، لطافت این دیدگاه در برادران کارمازوف هم آمده بود و گفته شده بود که رویدادها را می‌توان از چند جنبه نگریست. همان‌طور که چابارک و کریچ (۲۰۱۳) عنوان کرده‌اند: استعاره حسابداری، به‌عنوان سیستمی برای تهیه اطلاعات مفید در تصمیم‌گیری توسط سهامداران و مدیران باعث شده تا مفهوم پاسخگویی به مسائل مربوط به مشکلات نمایندگی کاهش یابد. البته تفکرات بنیادی بیشتری در کلاس‌های حسابداری وجود دارد تا این که واژه‌های پست‌مدرنیسم استفاده شود و دانشجویان مجبور به استفاده از این واژه‌ها شوند. برای اجتناب از شنیدن پاسخ‌های طوطی‌وار از دانشجویانی که به حرفه حسابداری علاقه‌مند هستند، باید شرایطی را به وجود بیاوریم که بر اساس آن دانشجویان قادر به انجام تفکرات انتقادی شوند. ادعایی توسط کنسرسیوم تفکرات انتقادی (سازمانی است که منابعی برای مدرسان به وجود می‌آورد که می‌خواهند بحث‌های انتقادی را در کلاس خود باز کنند)، صورت گرفته است. در مقاله‌ای که در وب‌سایت آن‌ها منتشر شده است، کیس و رایت (۱۹۹۷) پیشنهاد داده‌اند که تربیت غالبی در تفکرات انتقادی وجود دارد که به این ایده مربوط است که دانشجویان می‌دانند که می‌خواهند در مورد چه چیزی فکر کنند و ما باید به آن‌ها فرصت بدهیم. در مقابل، آن‌ها معتقدند دانشجویان باید از پنج منبع آگاه باشند تا بتوانند به‌طور انتقادی تفکر کنند:

۱. آن‌ها باید اطلاعات پیش‌زمینه کافی در مورد موضوعی داشته باشند که در حال بررسی آن هستند.

۲. آن‌ها باید بدانند که چه معیاری در ارزیابی فرصت‌ها وجود دارد.
۳. آن‌ها باید مفاهیم اساسی تفکرات انتقادی مثل استدلال‌های منطقی، تفاوت بین قیاس و استقرا و تنوع رویکردهایی که می‌توان نسبت به یک مشکل پیدا کرد را درک کنند. این مشکلات می‌تواند شامل اقتصاد یا اخلاقیاتی باشند که ارتباط با این مشکلات را آسان‌تر می‌کنند.
۴. آن‌ها باید از استراتژی‌های تفکری استفاده کنند مثل استفاده از استعاره، پذیرش چندین بعد و به‌کارگیری ابزارهای گرافیکی برای تعمیم ایده‌ها.
۵. آن‌ها باید عادت‌های ذهنی لازم برای تفکرات انتقادی را ایجاد کنند که شامل روشنفکری، تفکر مستقل، تفکر پژوهی و احترام به کیفیت بالا و رشته فکری است. برای کمک به در برگیری این‌ها در یک مفهوم حسابداری، بیایید یکی از آن‌ها را در نظر داشته باشیم: دانشجویان باید بدانند که چه معیارهایی در ارزیابی فرصت‌ها وجود دارند. مثلاً محاسبه بازده دارایی‌ها را در نظر بگیرید.
- در کتاب‌های حسابداری، ممکن است تصور شود که باید از متوسط دارایی‌های این سال و دارایی‌های سال آخر به‌عنوان مخرج کسر استفاده کرد. از نظر فاینانس، ممکن است تصور شود که باید فقط از دارایی‌های همین سال استفاده کرد. باید از دانشجویان پرسیده شود که چه معیارهایی برای انتخاب بین این دو روش مناسب هستند و چه شرایطی برای انجام محاسبه لازم هستند.
- اگر آن‌ها محاسباتی را از پایگاه داده‌های بازار سرمایه انجام داده باشند، آنگاه ایجاد پایگاه داده‌هایی برای استخراج مطالعات در مورد دارایی‌های سال قبل برای هر شرکت، به نظر پیچیده می‌رسد و یا هزینه‌بر به نظر می‌رسد. در این حالت، فقدان اثربخشی ممکن است به‌وسیله افزایش کارایی خنثی شود. از دانشجویان در مورد این که مخرج کسر چه چیزی را نشان می‌دهد سؤال می‌شود و از آن‌ها پرسیده می‌شود که محاسبات می‌خواهد چه چیزی را نشان دهد. مشخص است که معیار بازده دارایی‌ها که معیاری از توانایی ایجاد ثروت مدیران با استفاده از منابع موجود است. اگر این را به ارزش اسمی در نظر بگیریم، آنگاه متوسط منابعی که با آن کار شروع می‌شود و منابعی که با آن خاتمه می‌یابند، بهتر از استفاده از دارایی‌های پایان سال است. هنوز هم نسخه پایان سال مخرج کسر و نسخه متوسط پیچیده‌تر، مشخصه‌های ضعیف‌تری برای معیاری از منابع هستند که در هر سال همراه با انجام تصمیم‌گیری، واگذار می‌شوند. درک این که چه چیزی باعث افزایش کیفیت محاسبه می‌شود، ممکن است فایده

چندانی نداشته باشد. شناخت در مورد این که معیارهای لازم چه هستند و با توجه به این که معیارهایی در پشت مسئله وجود دارند، همچنان بهتر هستند. فاصله زیادی تا شناخت شرایط ساختاری وجود دارد که باعث ایجاد صورت‌های حسابداری در مرحله اول شده است. یا همان حد مثبت و منفی است مثل آسیب‌های اکولوژیکی یا دسترسی به نیروی کار ماهری که از معادله حذف شده‌اند. با این وجود، این تنها یک نقطه شروع است. این سؤال وجود دارد که چگونه می‌توان زمانی که تفکرات انتقادی در کلاس‌های حسابداری وجود دارد، به موارد بالا دست یافت. این منابع از طریق سرفصل‌های مدارس تجاری به وجود می‌آیند نه فقط از واحدهای تئوری حسابداری. امید است که دانشجویان برخی از منابع را زمانی که بی‌کلاس‌های درس می‌آیند با خودشان داشته باشند. باید گفت که یکی از رویکردهای حسابداری که در ایده زبان حسابداری مطرح شده است می‌تواند فرصت‌هایی برای درگیری در فعالیت‌های انتقادی حسابداری فراهم کند اما به‌تنهایی کافی نیست بلکه خود تفکر انتقادی باید آموزش داده شود.

### نتیجه‌گیری

در خلاصه‌ای که بورديو در مورد تحصیلات تکمیلی عنوان کرده است، ادعا شده است که دانشگاه‌ها درگیر ایجاد نهادهای اجتماعی برنامه‌ریزی شده‌ای هستند که با عادت‌های لازم برای عمل در سیستم اقتصادی-اجتماعی آمیخته شده است. این گفته درست است اما دانشگاه‌ها چیزی فراتر از این هستند. دانشگاه‌ها فضاهایی هستند که در آن‌ها، می‌توان تفکرات خلاقانه و انتقادی را برانگیخت. در واقع، سیستم حسابداری در کشورهای پیشرو دارای سابقه طولانی در انعکاس و انتقاد است. این را چابارک و کریج هم ذکر کرده‌اند و گفته‌اند که نقش مدرسان، اجتناب از این است که هر نوع ایدئولوژی به یک حقیقت تضمینی تبدیل کنند. توان ایجاد روش‌های مختلف برای آموزش حسابداری، نشانه خوش‌بینی آموزشی است. طبیعتاً هیچ‌کدام نشان نمی‌دهد که رویکرد فعلی برای آموزش حسابداری می‌تواند همه‌چیز را حل کند؛ بنابراین باید در تجربه کلاسی به دانشجویان کمک کرد تا نتایج مهم زبان را درک نموده و به درک محدودیت‌های تفکرات انتقادی و ارتباط آن با سایر روش‌های لازم برای تفکر پرداخته شود. همچنین باید به آن‌ها کمک کرد تا مهارت‌های حسابداری را

گسترش دهند چراکه مبنای تحلیل‌های اصلی صورت‌های حسابداری هستند. اگر رویکرد زبانی آموزش حسابداری، دانشجویان را در موقعیتی قرار دهد که آن‌ها قادر به این باشند که پرسند چه چیزی را می‌خوانند و تفاسیر خود را با در نظر گرفتن میزان اطلاعات خود از مفاهیم و ایجاد آن‌ها تعدیل کنند، آنگاه دانشجویانی که این رویکرد را تجربه می‌کنند نسبت به بقیه دانشجویان عملکرد مناسب‌تری خواهند داشت.

#### منابع و مآخذ

1. Baudrillard J. (C. Levin, Trans.) For a critique of the political economy of the sign (C. Levin, Trans.). St. Louis, Missouri: Telos Press; 1981.
2. Bourdieu P. Outline of a theory of practice. New York: Cambridge University Press; 1977.
3. Carmona S. Accounting curriculum reform? The devil is in the detail. *Critical Perspectives in Accounting* 2013;24(2):113-9.
4. Case R, Wright I. Taking seriously the teaching of critical thinking. *Canadian Social Studies* 1997;32(1):12-9.
5. Chabrak N, Craig RJ. Student imaginings, cognitive dissonance and critical thinking. *Critical Perspectives on Accounting* 2013;24(2):91-104.
6. Cooper C, Puxty A. Reading accounting writing. *Accounting, Organizations and Society* 1994;19(2):127-46.
7. Dillard JF, Tinker T. Commodifying business and accounting education: the implications of accreditation. *Critical Perspectives on Accounting* 1996;7(1):215-25.
8. Dominelli L, Hoogvelt A. Globalisation, the privatisation of welfare, and the changing role of the professional academics in Britain. *Critical Perspectives on Accounting* 1996;7(1):191-212.
9. Freire P. *Pedagogy of the oppressed*. New York: Herder and Herder; 1970.
10. Gadamer H. *Philosophical hermeneutics*. Berkeley: University of California Press; 1976.
13. Hopper T. Making accounting degrees fit for a university. *Critical Perspectives in Accounting* 2013;24(2):127-35.
14. Macintosh NB. A comment on recovering accounting. *Critical Perspectives on Accounting* 2004;15(4-5):529-41.
16. Neimark MK. Caught in the squeeze: an essay on higher education in accounting. *Critical Perspectives on Accounting* 1996;7(1):1-11.
18. Shearer T. Ethics and accountability: from the for-itself to the for-the-other. *Accounting, Organizations and Society* 2002;27(6):541-73.
19. Williams PF. Recovering accounting as a worthy endeavor. *Critical Perspectives on Accounting* 2004;15(4-5):513-7.